

بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان)

چکیده

فضاهای جغرافیایی و واحدهای سیاسی متأثر از موقعیت مکانی و محیط طبیعی خود هستند و با محیط‌های پیرامونی در یک فرایند تأثیر و تأثر قرار دارند. به نظر می‌رسد که امنیت به ویژه امنیت اجتماعی به عنوان زیربنایی‌ترین مفهوم زندگی اجتماعی متأثر از موقعیت مکانی و به طور کلی عوامل جغرافیایی است. این تحقیق به دنبال بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی استان کرمان است. بدین منظور، این پژوهش با رویکرد سیستمی و نگرش منطقه‌ای و یکپارچه به مقوله امنیت و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و از دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱، مرکز آمار ایران و دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان جمع آوری شده است. در مقیاس منطقه‌ای به دو شاخص قاچاق مواد مخدر و تروریسم و در مقیاس محلی (استان کرمان) به شاخصهای ناامنی اجتماعی یعنی میزان سرقت مسلحانه، سرقت به عنف (زورگیری)، آدم ربایی و قتل و مقدار مواد مخدر کشف و ضبط شده استناد شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی استان کرمان متأثر از موقعیت مکانی با توجه به منابع تهدید در سه سطح فراملی، فروملی و درون استانی است و متأثر از وضعیت توپوگرافیکی و دوری و نزدیکی به کانون‌های بحران، شهرستان‌های نیمه غربی استان کرمان نسبت به نیمه شرقی از وضعیت امنیت اجتماعی بهتری برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، عوامل جغرافیایی، موقعیت مکانی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر.

مقدمه

به طور کلی، امنیت^۲ نخستین حق شهروندی و تأمین آن مقدم‌ترین وظیفه حکومت‌ها در برابر شهروندان است و زیربنایی‌ترین مفهوم در زندگی اجتماعی و مدنی می‌باشد. امنیت با مفهوم توسعه، و ناامنی با مفهوم عقب ماندگی گره خورده است. به گونه‌ای که مناطق جغرافیایی که دارای شاخص‌های توسعه بهتری هستند دارای ضریب امنیتی بیشتری نیز می‌باشند و مناطق کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته جهان با مناطق ناامن منطبق هستند. امنیت دارای ابعاد گوناگونی است که مهمترین آن، «امنیت اجتماعی»^۳ است و به طور کلی به معنای «توانایی جامعه برای پاسداری از ارزش‌های بنیادین خود در برابر پیشامدها و تهدیدات واقعی و بالقوه است» (هوو^۴، ۲۰۰۴: ۱۰۶). هر زمان که وجود یا فقدان یک یا چند متغیر تهدید کننده، منجر به «حساس ترس» شود، موجبات ناامنی اجتماعی را فراهم می‌کند (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵: ۷۶).

از سویی دیگر، مقوله امنیت تابع موقعیت مکانی فضاهای جغرافیایی است. به طور کلی، فضاهای جغرافیایی و سکونتگاه‌های انسانی متأثر از موقعیت مکانی و محیط طبیعی خود می‌باشند و با محیط‌های پیرامون خود در یک فرایند

۱. UNODC

۲. Security

۳. Societal Security

۴. Hough

تأثیر و تأثر قرار دارند. بر این اساس، وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نواحی اکولوژیک و حتی کشورها تا حدود زیادی متأثر از موقعیت مکانی و شرایط جغرافیایی آنها است. در این میان، وضعیت امنیتی نواحی اکولوژیک بیش از سایر بخش‌ها متأثر از موقعیت مکانی و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه است. در این زمینه، کامران و کریمی پور معتقد هستند که بستر و زمینه‌های اصلی تراکم تهدیدهای جانبی یا بر عکس آرامش و ثبات دولت کشورها، متأثر از موقعیت جغرافیایی یا به عبارت دیگر محیط بین‌المللی آنها است (کامران و کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۸۰).

کشور ایران از منظر جغرافیایی، تحت تأثیر عوامل تهدید کننده امنیتی زیادی چه از نظر پدیده‌های طبیعی (زلزله، خشک سالی، سیل، طوفان و ...) و چه از نظر پدیده‌های انسانی (جنگ، تروریسم، قاچاق، جاسوسی، دخالت نیروها متخاصم بین‌المللی و ...) است. در این میان استان کرمان در مقام پهناورترین استان ایران و به دلیل همجواری با استان‌های مرزی در شرق ایران (سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی)، وضعیت توپوگرافی و مناطق کویری، نابرابریهای اجتماعی و توسعه نامتوازن استان، وجود و ارتباط اتباع بیگانه با استان (افغانه)، موقعیت جغرافیایی و پل ارتباطی شرق به غرب، نزدیکی به کانون‌های بزرگ تولید مواد مخدر در جهان (افغانستان)، فعالیت اقتصاد پنهان و قاچاق (قاچاقچیان و اشرار)، نزدیکی به کانون‌های بزرگ تولیدگر اندیشه‌های بنیادگرایی و تروریستی (افغانستان و پاکستان)، وجود حفره‌های دولت در مناطق شرقی (عدم کنترل مناسب دولت بر مرزهای شرقی از جانب هر سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان) در معرض تهدیدات امنیتی گوناگونی قرار دارد و به صورت بالفعل یا بالقوه امنیت اجتماعی استان و حتی امنیت ملی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین، مسئله اصلی تحقیق این است که عوامل جغرافیایی موثر بر تهدیدات امنیت اجتماعی استان کرمان چیست و عوامل جغرافیایی چه تأثیری بر امنیت اجتماعی این استان دارد. بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش شناسایی، تحلیل و تبیین عوامل تهدید کننده امنیت اجتماعی با بسترهای مکانی - جغرافیایی بر استان کرمان است.

بررسی سوابق و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر و رابطه عوامل محیطی - جغرافیایی بر امنیت و امنیت اجتماعی از دید پژوهشگران و اندیشمندان خارجی و داخلی دور نمانده است. در تحقیقات خارجی، در مباحث نظری، بری بوزان^۱ (۱۹۸۳) و بوزان و ال ویور^۲ (۲۰۰۳) و شیپینگ تانگ^۳ (۲۰۰۴) معتقد هستند که امنیت هر کشور یا منطقه متأثر از محیط خود و فضاهای بلافاصل پیرامونی خود است. در تحقیقات موردی و پدیده‌های ناامن کننده فضاهای جغرافیایی موارد متعددی از رابطه میان موقعیت مکانی و عوامل تهدید کننده امنیتی گزارش شده است. در تحقیقات زیادی به رابطه میان مکان‌های و فضاهای جغرافیایی تولید و ترانزیت قاچاق مواد مخدر با جرم، ترور، خشونت و ناامنی پرداخته شده است (نارکو^۴ و دیگران، ۱۹۹۱؛ کورنل^۵، ۲۰۰۵؛ لام^۶، ۲۰۱۱؛ پیازا^۷، ۲۰۱۱).

در تحقیقات داخلی، کامران و کریمی پور (۱۳۸۰) بستر جغرافیایی تهدیدهای بیرونی در شمال ایران بررسی کرده‌اند آنان تعداد همسایگان، درجه امنیت و ثبات منطقه، میزان اهمیت استراتژیک منطقه و کشور در مقیاس جهانی و تعداد دولتهای ایدئولوژیک جانبی را مهمترین عوامل موثر بر امنیت منطقه می‌دانند. ابراهیمبای سلامی (۱۳۸۵)، به موقعیت ژئوپلیتیکی و ناامنی اجتماعی در شهرستان‌های خواف و رشتخوار در شرق ایران پرداخته است و معتقد است که میان موقعیت ژئوپلیتیکی و میزان ناامنی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. شوازی (۱۳۸۶)، درباره رابطه جغرافیا و امنیت تحقیق کرده است و به این نتیجه رسیده است که عوامل جغرافیایی نظیر حضور امریکا در اطراف مرزهای ایران، تنوع همسایگان، تنوع مرزی، ترانزیت مواد مخدر و قاچاق کالا مجموعه عواملی هستند که بر گرفته از وضعیت جغرافیایی ایران است. احمدی پور و همکاران (۱۳۹۰)، در تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران معتقد هستند که سهم عوامل

1. Barry Buzan
2. Ole Weaver
3. Shiping Tang
4. Nurco
5. Cornell
6. Lum
7. Piazza

خارجی در ناامنی جنوب شرقی ایران نسبت به عوامل داخلی بیشتر است. غفوری و داوند (۱۳۹۳)، به تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آنان معتقد هستند که تهدیدهای جامعه پاکستان که منبعث از مسائل هویتی است در شکل بنیادگرایی اسلامی و تجزیه طلبی بر امنیت ملی ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت.

داده‌ها و روش پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی است که به روش توصیفی و نگاه سیستماتیک انجام شده است. سعی شده است با استفاده از نگرش سیستمی، شناخت دقیق‌تری از مسائل امنیتی استان کرمان به دست‌آید. استفاده از نگرش سیستمی یکی از رویکردهای قدرتمند برای شناخت و حل مسائل اجتماعی - سیاسی و امنیتی است. در حقیقت، مهمترین دلیل پیدایش نگرش و روش سیستمی، پیچیدگی هر چه بیشتر مسایل اجتماعی عصر جدید، نارسایی و عدم کارآیی برخوردهای مکانیستی با این مسائل بوده است (فرشاد، ۱۳۶۲). در نگرش سیستمی برای شناخت یک پدیده به جای آنکه به اجزاء و عناصرش تجزیه شود، آن را جزیی از کل بزرگتر در نظر گرفته می‌شود و با توجه به نقشی که در کل بزرگتر ایفاء می‌کند به شناخت و ماهیت آن پی برده می‌شود. در چنین نگرشی مجموعه مورد بررسی یک «سیستم» است که ابعاد ساختاری، کارکردی و فرایندی و آثار متقابل و پیچیدگی حاصل از تعامل آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل داده‌های به صورت توصیفی و فضایی انجام شده است. سعی شده است با رویکرد منطقه‌ای و یکپارچه به مسأله امنیت و تحت تأثیر دیدگاه بوزان و ویور، منابع تهدید و برهم زنده امنیت اجتماعی استان کرمان به صورت منطقه‌ای و نگرش سیستمی دیده شود و در سه سطح فراملی، فروملی و دورن استانی مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق به مسأله ناامنی در کشورهای شرقی ایران یعنی پاکستان و افغانستان توجه ویژه‌ای شده است و پس از آن به استان سیستان و بلوچستان به عنوان ناامن‌ترین استان ایران اهمیت خاصی داده شده است. این موارد در بحث مجاورت جغرافیایی، موقعیت مکانی، وسعت و فاصله جغرافیایی قرار گرفته است. داده‌های مورد نیاز تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و از دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱ موسوم به «یوان او دی سی»، مرکز آمار ایران و دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان اخذ شده است. در مقیاس منطقه‌ای به دو شاخص قاچاق مواد مخدر و تروریسم و در مقیاس محلی (استان کرمان) به شاخصهای ناامنی اجتماعی یعنی میزان سرقت مسلحانه، سرقت به عنف (زورگیری)، آدم ربایی و قتل و مقدار مواد مخدر کشف و ضبط شده استناد شده است.

مبانی نظری

بررسی ادبیات و پژوهشهای حوزه امنیت نشان می‌دهد که نگرش‌های مطالعاتی نسبت به مقیاس یا سطح تحلیل امنیت را می‌توان در سه دسته ملی، منطقه‌ای و جهانی تقسیم کرد. کسانی که در سطح تحلیل امنیت به مقیاس ملی اصالت می‌دهند، «واقع‌گرایان^۲» هستند که کشور و دولت را یگانه موضوع امنیت می‌دانند و امنیت ملی موضوع اصلی مورد مطالعه است. در مقابل «جهان‌گرایان^۳» هستند که مقیاس جهانی را واحد تحلیل امنیت می‌دانند و امنیت را مقوله کاملاً یکپارچه و به هم پیوسته در ساختار نظام جهانی می‌دانند. نگرش واقع‌گرایانه نسبت به حوزه امنیت، ریشه در دوره جنگ سرد و نگرش جهان‌گرایانه، ریشه در اندیشه‌های جهانی شدن دارد. اما سقوط جهان دو قطبی و تحولات پس از جنگ سرد باعث شد که نگرش‌های واقع‌گرایانه و جهان‌گرایانه با کاستی‌های مواجه شود و نتوانند ماهیت، ابعاد و پیچیدگی مسائل امنیتی را به خوبی تبیین کنند. به گونه‌ای که بوزان و ویور معتقدند که امنیت ملی در وجودش سطح کاملی از تحلیل نیست. چرا که پویایی امنیت به صورت ذاتی با مسأله غیر ملت پیوند دارد و اغلب بر مکان حکومت که در مرکز این نگرش است توجه دارد. در این رویکرد از بستر سیستماتیک و زیرسیستمی اطراف دولت غافل هستند. در مقابل، امنیت جهانی در

1. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)
2. Realists
3. Globalists

یک نگاه کل نگر به دنبال بهترین آرزو و هدف می‌باشد اما دور از واقعیت است (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۴۳). از نگاه این دو اندیشمند مکتب کپنهاگ، جهان در مقوله امنیت یکپارچه نیست و برای تحلیل امنیت نیازمند نگاه منطقه‌ای یا «منطقه گرایانه»^۱ هستیم. به زعم آنان، «منطقه به سطحی از کشورها یا واحدها سیاسی مربوط می‌شود که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و با هم ارتباط نزدیکی دارند و امنیتشان را نمی‌توان جدا از یکدیگر بررسی کرد» (همانجا). از این نگاه، نمی‌توان با مطالعه مسایل مرتبط با امنیت بین‌المللی، امنیت را در مناطق جغرافیایی هم درک کرد. به باور آنها هنوز هم در دنیای جهانی شده سرعت انتقال تهدیدات رابطه مستقیمی با فاصله فیزیکی دارد، هر چه فاصله کمتر، سرعت انتقال بیشتر است (بوزان و ویور، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

این نگرش به مسأله امنیت ابتدا بوزان در سال ۱۹۸۳ در کتاب «مردم، دولتها و هراس» با عنوان «مجموعه امنیتی»^۲ ذکر کرد (بوزان، ۱۹۸۳: ۱۰۶) و سپس در ۱۹۹۸ با همکارانش در کتاب «امنیت: چارچوبی نو برای تحلیل» کامل کرد و آن را «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»^۳ نامید. مطابق تعریف بوزان و همکاران، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، «مجموعه از واحدها است که در آنها فرایندهای اصلی امنیتی کردن»^۴ و غیر امنیتی کردن»^۵ یا هر دوی آنها به گونه‌ای در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی آنها نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود» (بوزان و دیگران، ۱۹۹۸: ۲۰۱). این موضوع از سوی شیبینگ تانگ با مبنای جغرافیایی بیشتر مورد تأیید قرار گرفته است. وی تأثیرپذیری کشور و واحد سیاسی از موقعیت مکانی خود و همسایگان را «محیط امنیتی کشور»^۶ نام نهاده است. وی معتقد است که در وهله اول کشور یا واحد سیاسی یک موجودیت جغرافیایی است و از طریق مرزهای جغرافیایی، امنیت خود را تأمین می‌کند و در ایجاد وضعیت محیط امنیتی نقش موثری دارد (تانگ، ۲۰۰۴: ۴-۳). مدینا و هپنر»^۷ (۲۰۱۳: ۱۹۶) بیش از دیگران بر رابطه و وابستگی امنیت اجتماعی و جغرافیا و عوامل محیطی تأکید کرده‌اند. آنان معتقدند که کیفیت امنیت اجتماعی و یا آسیب پذیری اجتماعی یک منطقه جغرافیایی یا ناحیه سیاسی تابعی از مکان و شرایط جغرافیایی است و ارزیابی امنیتی آن فراتر از ارزیابی امکانات مهندسی محور در منطقه است. این بدان معناست که صرفاً با نگاه علوم مهندسی و امکانات سخت افزاری نمی‌توان امنیت اجتماعی یک منطقه را تأمین کرد و برای تحلیل واقع بینانه‌ای از امنیت اجتماعی منطقه‌ای نیازمند بررسی شرایط محیطی و جغرافیایی است. در این میان نقش عوامل محیطی و موقعیت مکانی نقش تعیین کننده‌ای در وضعیت امنیت اجتماعی فضاهای جغرافیایی و نواحی اکولوژیک دارد (گان»^۸، ۲۰۰۴: ۶-۳).

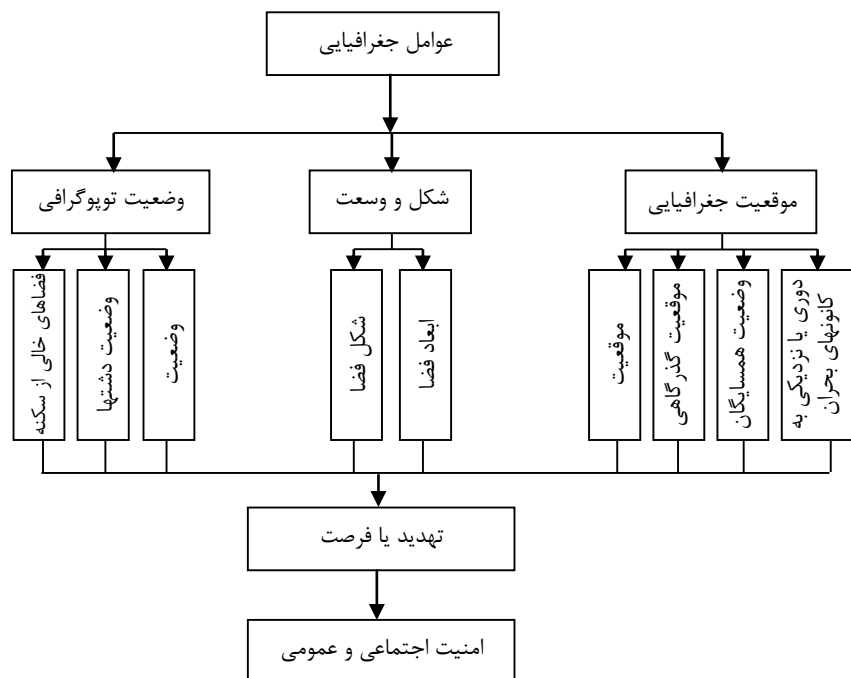
از نظریات بوزان، ویور و تانگ چنین به نظر می‌رسد که تحلیل و فهم امنیت در ناحیه اکولوژیک و واحدهای سیاسی بدون درک اساسی از وابستگی متقابل با شرایط و الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن قرار دارند، ناصحیح و بلکه ناممکن است. بر مبنای مفهوم مجموعه امنیتی منطقه‌ای که امنیت مقوله‌ای به هم پیوسته و درهم‌تنیده در مناطق جغرافیایی است، نقش عناصر و مشخصه‌های جغرافیایی مناطق در کاهش و کنترل و یا تشدید و انتقال بحران و ناامنی بسیار مهم است. مبنای جغرافیایی امنیت به ویژه امنیت اجتماعی و شرایط محیطی امنیت از سوی مدینا و هپنر و گان مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. بنابراین، به طور خلاصه تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت به شرح ذیل است:

- بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیت فضاهای جغرافیایی تابع موقعیت مکانی خود هستند. قرارگیری در صحاری بزرگ و خالی از سکنه و یا دشتهای هموار حاصلخیز و یا در ارتفاعات می‌تواند تبعات امنیتی متفاوتی داشته باشد. از نظر موقعیت نسبی نیز قرارگیری در همسایگی و مجاورت کانون‌های ناامن و بحران

1. Regionalist
 2. Security complex
 3. Regional security complex
 4. Securitisation
 5. Desecuritisation
 6. a state's security environment
 7. Medina & Hepner
 8. Gaan

ساز، اثر مستقیمی بر امنیت منطقه مورد نظر دارد. امنیت اوکراین تا حدود بسیار زیادی متأثر از موقعیت مکانی خود در میان دو قدرت رقیب یعنی روسیه و اتحادیه اروپا است. به هر روی، موقعیت کشورهای و نواحی اکولوژیک جغرافیایی یکی از مهمترین فاکتورهای موثر بر امنیت اجتماعی است و دور و نزدیکی آنها به منابع امنیت ساز یا ناامن کننده و ضد امنیتی تأثیر مستقیمی بر ساختار امنیت اجتماعی و عمومی منطقه مورد نظر دارد.

- وسعت جغرافیایی اگر با پراکنش مناسب سکونتگاه‌های انسانی و توانمندی دفاعی همراه نباشد، ضریب نفوذ و بحران را افزایش می‌دهد و بر روی امنیت نواحی اکولوژیک تأثیر منفی دارد.
- دوری و نزدیکی به کانون‌های بحران و ناامن تأثیر مستقیمی بر امنیت فضاهای جغرافیایی دارد. به عبارت دیگر، میزان فاصله و مسافت نسبت به منابع بحران ساز امنیتی نقش مستقیمی بر امنیت مناطق اکولوژیک و سیاسی دارد. نفوذ داعش از سوریه به عراق ناشی از نزدیکی و پیوستگی سرزمینی عراق به سوریه بود.
- وضعیت ناهمواری‌ها و اشکال ژئومورفولوژیکی می‌تواند نقش منفی و مثبتی بر امنیت محدوده‌های فضایی و قلمروهای سیاسی داشته باشد. این مسأله در جنگ نمود بیشتری دارد. تقریباً تمامی جنگ‌های گذشته از ناهمواری‌های و اشکال ژئومورفولوژیکی برای فعالیت‌های آفندی، پدافندی و نقاط آمادی استفاده کرده‌اند. اهمیت ناهمواری‌ها و وضعیت ژئومورفولوژیکی در مناطق مرزی و تأثیر آن بر ضریب نفوذ و امنیت مناطق مرزی دو چندان است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق: رابطه عوامل جغرافیایی با امنیت اجتماعی و عمومی

(ترسیم از نگارنده)

یافته‌های تحقیق

شاخص‌های جغرافیایی موثر بر امنیت عمومی و اجتماعی استان کرمان

امنیت اجتماعی و عمومی استان کرمان تحت تأثیر عوامل گوناگونی است. سطح سواد، میزان درآمد، بیکاری و اشتغال، نوع شغل، سن، جنسیت، تراکم جمعیت، موقعیت جغرافیایی و برخی ویژگی‌های فرهنگی و ده‌ها عامل دیگر بر امنیت اجتماعی و عمومی استان کرمان - به مانند سایر مناطق جغرافیایی دیگر - تأثیر دارد. در این میان نقش عوامل جغرافیایی (موقعیت مکانی، فاصله، وسعت، توپوگرافی و ژئومورفولوژی) نسبت به سایر عوامل بسیار برجسته است.

موقعیت مکانی و منابع تهدید فراملی

امنیت عمومی و اجتماعی استان کرمان بدون توجه به ساختار امنیتی منطقه‌ای و ملی و عوامل موثر بر امنیت منطقه‌ای قابل تحلیل نیست. بر این اساس، برای اینکه امنیت استان کرمان را خوب درک کنیم نیازمند شناسایی، تبیین و تحلیل ساختار امنیتی منطقه‌ای که استان کرمان در آن قرار گرفته هستیم. در این میان، امنیت منطقه متأثر از دو عامل اساسی است: ۱- تروریسم و ۲- قاچاق مواد مخدر.

تروریسم

به طور کلی ایران، از نظر موقعیت مکانی و موقعیت نسبی در یکی از ناامن‌ترین مناطق جهان قرار دارد. در دهه‌های اخیر خاورمیانه، جنوب غرب آسیا، منطقه بین النهرین، شرق و شمال شرق شبه قاره هند و به طور کلی همسایگان ایران جزء ناامن‌ترین، بی‌ثبات‌ترین، پرحادثه‌ترین و خراب‌ترین مناطق جهان بوده است. به گونه‌ای که چهار کشور بسیار ناامن جهان در دو سوی شرق و غرب ایران قرار گرفته‌اند. «موسسه اقتصاد و صلح»^۱ (۲۰۱۴: ۶) بر اساس شاخصهای تعداد عملیات تروریستی، تعداد تنش‌های داخلی و خارجی، تعداد افراد آواره به نسبت جمعیت و تعداد تلفات ناشی از نزاعهای داخلی سازمان یافته در ۱۶۲ کشور جهان محاسبه کرد است و آنها را به لحاظ صلح و امنیت رتبه‌بندی کرده است. بر اساس آمار این موسسه در سال ۲۰۱۳، کشور افغانستان و سوریه با ضریب ۳/۴۱ و ۳/۶۵ جز ناامن‌ترین و دارای کمترین میزان صلح در کشورهای دنیا می‌باشد و به ترتیب در رتبه ۱۶۱ و ۱۶۲ قرار دارند. عراق با ضریب ۳/۳۶ و پاکستان با ضریب ۳/۱۰ به ترتیب در رتبه ۱۵۹ و ۱۵۴ جهان قرار دارند. در این میان سودان شمالی یک رتبه از عراق بدتر است و کشورهای سومالی، سودان، آفریقای مرکزی و جمهوری کنگو در رتبه‌های پس از پاکستان قرار دارند. در هر صورت، چهار کشور شرق و غرب ایران جزء هشت کشور بسیار ناامن جهان می‌باشد. این آمار توسط «مرکز ملی مطالعه تروریسم و واکنش‌های به تروریسم»^۲ موسوم به استارت (۲۰۱۴: ۳) نیز به نوعی دیگر قابل تأیید است. بر اساس آمار این موسسه در سال ۲۰۱۳، در مجموع ۹۷۰۷ حمله تروریستی در جهان صورت گرفته است که حاصل آن ۱۷۸۰۰ نفر کشته و بیش از ۳۵۵۰۰ نفر مجروح شده‌اند. همچنین ۲۹۹۰ نفر آدم‌ربایی و یا گروگان‌گیری صورت گرفته است (جدول ۱). در این میان، سه کشور عراق، افغانستان و پاکستان در صدر کشورهای دارای بیشترین حملات تروریستی در جهان بوده است. در مجموع ۵۵۵۹ حمله تروریستی در این سه کشور صورت گرفته است که ۵۷/۳ کل حملات تروریستی جهان را در بر می‌گیرد. سهم این سه کشور در جهان در تعداد کشته‌ها و مجروحان حاصل از حملات تروریستی بسیار بیشتر است و به ۶۶/۳ درصد در کشته‌ها (۱۱۸۰۴ نفر کشته) و ۶۶/۶۵ درصد در مجروحان (۲۳۶۶۲ نفر مجروح) می‌رسد.

1. Institute for Economics and Peace (IEP)

2. National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START)

جدول ۱- ده کشور جهان که دارای بیشترین حملات تروریستی در سال ۲۰۱۳ بوده اند

کشور	مجموع حملات	مجموع کشته‌ها	مجموع مجروحان	میانگین تعداد کشته در هر حمله	میانگین تعداد مجروحان در هر حمله
عراق	۲۴۹۵	۶۳۷۸	۱۴۹۵۶	۲/۵۶	۵/۹۹
پاکستان	۱۹۲۰	۲۳۱۵	۴۹۸۹	۱/۲۱	۲/۶۰
افغانستان	۱۱۴۴	۳۱۱۱	۳۷۱۷	۲/۷۲	۳/۲۵
هند	۶۲۲	۴۰۵	۷۱۷	۰/۶۵	۱/۱۵
فیلیپین	۴۵۰	۲۷۹	۴۱۳	۰/۶۲	۰/۹۲
تایلند	۳۳۲	۱۳۱	۳۹۸	۰/۳۹	۱/۲۰
نیجریه	۳۰۰	۱۸۱۷	۴۵۷	۶/۰۶	۱/۵۲
یمن	۲۹۵	۲۹۱	۵۸۳	۰/۹۹	۱/۹۸
سوریه	۲۱۲	۱۰۷۴	۱۷۷۳	۵/۰۷	۸/۳۶
سومالی	۱۹۷	۴۰۸	۴۸۵	۲/۰۷	۲/۴۶

منبع: (استارت، ۲۰۱۴: ۴)

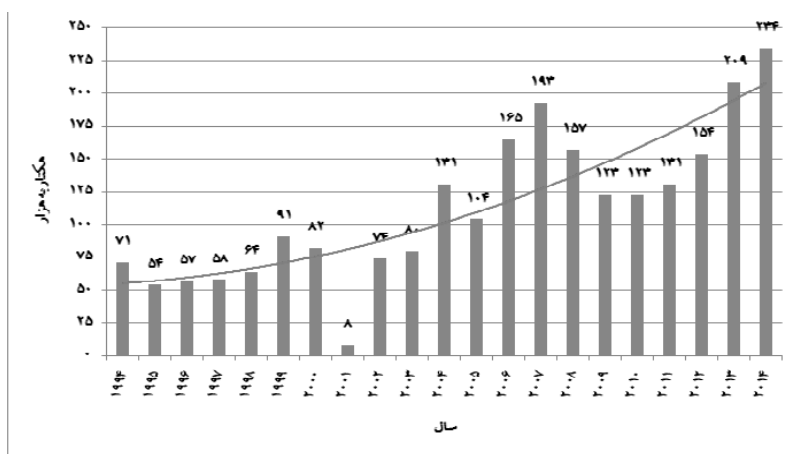
شاخص دیگری که باید به آن توجه کرد گروه‌های سازمان یافته تروریستی و میزان حملات تروریستی است که آنان مسئولیتش را به عهده می‌گیرند. بیش از ۸۶ درصد حملات تروریستی در پاکستان هیچ گروه سازمان یافته‌ای به عهده نگرفته است (استارت، ۲۰۱۴: ۶). این آمار حکایت از آن دارد که عاملان تروریستی و مقر آنها به راحتی قابل شناسایی نیست و مبارزه با حملات تروریستی بسیار سخت است. نیروهای امنیتی نمی‌دانند برای مبارزه با تروریسم، باید با چه کسی مبارزه کنند. این مسأله نشانگر ناامنی و انتشار حس ناامنی در همه فضاهای جغرافیایی در پاکستان است. تقریباً ۲۰ گروه معاند و تروریستی در پاکستان فعال هستند که مهمترین آنها طالبان پاکستان، ارتش جمهوری بلوچ، ارتش آزاد بلوچ، جبهه آزاد بلوچ و ببرهای آزاد بلوچ است. از نظرایدئولوژیکی و مذهبی نیز گروه‌های وابسته به سپاه صحابه و اندیشه‌های فرقه دیوبندی نقش مهمی در حملات تروریستی در جامعه پاکستان داشته است. به لحاظ جغرافیایی، بیشترین فعالیت‌های تروریستی و خرابکاری در ایالت بلوچستان پاکستان و در همجواری مرزهای ایران و در منطقه خیبر پختون خواه اتفاق افتاده است.

به نظر می‌رسد که علاوه بر دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ضعف دولت مرکزی در کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه و عدم تکامل پروسه ملت‌سازی و دولت‌سازی و فعالیت نیروهای واگرا و تجزیه طلب عامل اصلی این ناامنی‌ها می‌باشد.

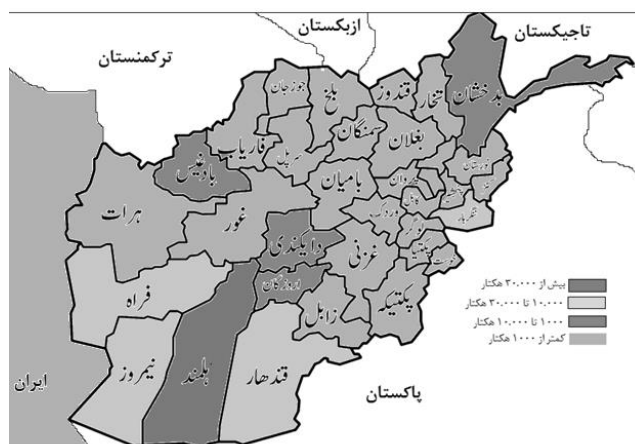
قاچاق مواد مخدر

موقعیت مکانی ایران به گونه‌ای است که همجوار بزرگترین تولید کننده و صادر کننده مطلق مواد مخدر (تریاک و متعلقات آن) در جهان است و اتصال سرزمینی گسترده با این کانون بزرگ مواد مخدر جهان یعنی افغانستان را دارد. افغانستان کشوری است که در شرق ایران قرار گرفته و با ایران ۹۳۶ کیلومتر مرز مشترک دارد. این کشور در دهه‌های اخیر یکی از بی‌ثبات‌ترین کشورهای جهان بوده و به شدت از بی‌ثباتی و ضعف اقتدار حکومت مرکزی رنج می‌برد. طبیعی است که دولت‌های ضعیف، بیمار و ناپایدار کشور افغانستان در دهه‌های اخیر نتوانسته‌اند با روند توسعه در کشورهای منطقه و جهان همگام باشند. اقتصاد این کشور تا حدود زیادی وابسته به مواد مخدر افیونی است. به دلیل ضعف زیرساخت‌ها و ناتوانی حکومت در اشتغال‌زایی، عمده درآمد خانوارهای این کشور به ویژه در مناطق جنوب و جنوب غربی از راه کشت و تولید قاچاق مواد مخدر است. کشت خشخاش و تولید تریاک و مشتقات آن، سهل الوصول‌ترین و درآمدزاترین شغل و معاش برای مردم این منطقه است.

بر اساس گزارش دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، افغانستان کشوری است که در حدود ۹۰ درصد از مواد مخدر تریاک و مشتقات آن را در جهان تولید می‌کند که این مقدار برابر با ۶۴۰۰ تن تریاک خالص است. برای تولید این میزان از مواد مخدر ۲۲۴ هزار هکتار زمین در ۱۵ ولایت افغانستان (افغانستان ۳۴ ولایت دارد) کشت شده است که این رقم در سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۵۴ هزار هکتار بوده است. یعنی سال ۲۰۱۴ نسبت به ۲۰۱۲ بیش از ۴۵ درصد رشد داشته است. بر اساس آمار همین سازمان، به طور میانگین به ازای هر هکتار کشت خشخاش در افغانستان، ۲۸/۷ کیلوگرم تریاک به دست آمده است (یونان و دی سی، ۲۰۱۴: ۶). شکل ۲ میزان زمین‌های زیر کشت برای تولید مواد مخدر در افغانستان از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴ نشان می‌دهد و به طور کلی روند رو به رشد آن در بیست سال اخیر را می‌توان مشاهده کرد.



شکل ۲- میزان زمین زیر کشت خشخاش در سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۴ در افغانستان (ترسیم از نگارنده بر اساس داده‌های یونان و دی سی، ۲۰۱۴)

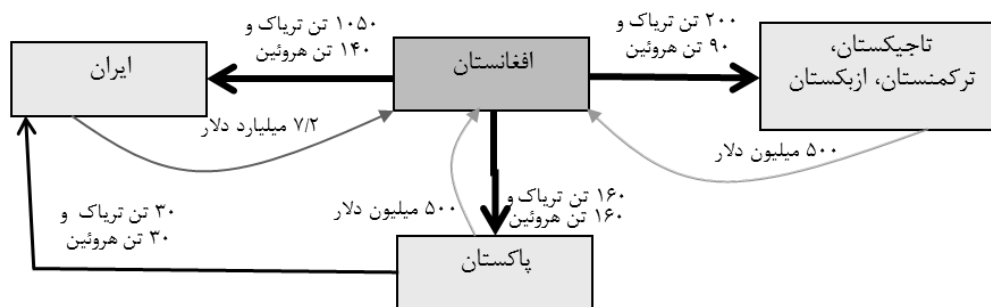


شکل ۳- نقشه مناطق کشت خشخاش در افغانستان و نزدیکی کانون‌های اصلی تولید مواد مخدر به مرزهای ایران

پراکنش کانون‌های تولید مواد مخدر و زمینهای زیر کشت خشخاش در کشور افغانستان به صورت یکسان نیست. تراکم ولایات تولید کننده مواد مخدر بیشتر در جنوب و جنوب غربی افغانستان می‌باشد. ۸۲ درصد از زمینهای زیر کشت خشخاش سال ۲۰۱۴ در چهار ولایت غربی و جنوبی افغانستان یعنی هلمند، قندهار، فراه و نیمروز بوده است. به طور کلی زمین‌های زیر کشت خشخاش در آبرفت‌های حاصلخیز و دشت‌های هموار رودخانه هیرمند (هلمند) در جنوب، جنوب غرب و غرب افغانستان کشت و زرع می‌شود. جایی که نزدیک مرزهای شرقی ایران و در نزدیکی مرزهای جنوب غربی پاکستان است (شکل ۳).

همجواری کانون‌های اصلی تولید مواد مخدر افغانستان به مرزهای ایران و موقعیت مناسب گذرگاهی ایران به عنوان کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت به جهان غرب باعث شده است که سرزمین ایران محل اصلی جولان قاچاقچیان مواد مخدر در منطقه و حتی جهان باشد. اختلاف قیمت بسیار زیاد مواد مخدر تریاکی در داخل افغانستان با داخل ایران و بازار بزرگ مصرف داخل ایران بخشی دیگر از واقعیت تلخ این ماجرا است که ایران را به کانون قاچاق، قاچاق‌گری و مبارزه با مواد مخدر تبدیل کرده است.

آمار دقیقی از قاچاق مواد مخدر در سال ۲۰۱۴ در دسترس نیست و دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد هنوز آمار تفکیکی از میزان ۶۴۰۰ تن تریاک تولیدی در افغانستان ارائه نکرده است. اما بر اساس آمار ۲۰۰۹ همین سازمان از میزان بیش از ۴۰۰۰ تن تریاک تولید شده در افغانستان، ۲۸۰۰ تن تریاک در آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای این کشور به ۳۹۰ تن هروئین تبدیل شده و مابقی یعنی ۱۳۰۰ تن تریاک خالص نیز به بازارهای جهانی عرضه شده است. در این میان، از ۱۳۰۰ تن تریاک قاچاق شده از افغانستان ۱۰۵۰ تن آن وارد ایران شده که این برابر با ۸۱ درصد تریاک قاچاق شده از افغانستان می‌باشد. در این سال فقط ۱۶۰ تن تریاک به پاکستان قاچاق شده که از این مقدار نیز سهم قابل توجهی از آن مجدداً وارد ایران می‌شود. همچنین ۱۴۰ تن هروئین از افغانستان وارد ایران شده و از میان ۱۶۰ تن هروئین وارد شده از افغانستان به پاکستان مجدداً از طریق پاکستان ۳۰ تن هروئین وارد ایران شده است (یوان او دی سی، ۲۰۱۱: ۵، ۲۳) (شکل ۴).



شکل ۴- قاچاق تریاک و هروئین از افغانستان به کشورهای همسایه و درآمدهای حاصل از آن در ۲۰۰۹ (ترسیم از نگارنده بر اساس داده‌های یوان او دی سی، ۲۰۱۱)

روشن است که سود اصلی حاصل از مواد مخدر نصیب گروه‌های اصلی قاچاقچی و تبهکاری می‌شود و آنان برای رسیدن به این سود سرشار حاضر هستند دست به هر اقدام و جنایتی بزنند. عبور و مرور غیر مجاز از مرزها، حمل اسلحه و ارتکاب قتل و جنایت برای حفظ و انتقال موفق مواد، گروگان‌گیری، پول شویی، خروج ارز غیر مجاز، سرقت، ایجاد رعب و وحشت توسط قاچاقچیان مسلح بخشی از جرائم امنیتی است که قاچاقچیان مواد مخدر انجام می‌دهند. به طور کلی، تولید و قاچاق مواد مخدر از افغانستان برای خود و برای کشورها همسایه و حتی سایر کشورهای جهان یک خطر بزرگ و یک تهدید بزرگ امنیتی است. قاچاق مواد مخدر خطر بزرگی برای سلامت و رفاه انسانها، دموکراسی، ثبات ملت‌ها، حکمروایی و استقلال کشورها و تهدید جدی برای امنیت اجتماعی، عمومی و امنیت ملی کشورها است.

به هر روی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر در دو کشور افغانستان و پاکستان منشأ بسیاری از ناامنی‌ها، عقب ماندگی‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در این دو کشور شده و از آنجایی که کانون تروریسم و کانون تولید و تجارت مواد مخدر در سرزمین‌های شرقی کشور افغانستان و پاکستان قرار دارد تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی و به ویژه امنیت عمومی و اجتماعی استان‌های جنوب شرقی ایران داشته است.

موقعیت مکانی و منابع تهدید فروملی (همجواری با استان سیستان و بلوچستان)

همان طور که در بحث مبانی نظری آمد، امنیت در مناطق جغرافیایی مقوله‌ای یکپارچه و به هم پیوسته است. ما نمی‌توانیم انتظار جزیره‌ای آرام، باثبات و با امنیت در منطقه‌ای ناآرام، بی‌ثبات و ناامن داشته باشیم. این مسأله در خصوص

نامی‌های سرزمین‌های غربی افغانستان و ایالت بلوچستان پاکستان و تأثیر آن بر روی استان سیستان و بلوچستان صادق است. به عبارت دیگر، پیوستگی جغرافیایی جنوب شرق ایران و به ویژه استان سیستان و بلوچستان با کشورهای پاکستان و افغانستان بر امنیت این منطقه از ایران تأثیر مستقیمی داشته است. در دو دهه گذشته بیشترین حملات تروریستی، بیشترین کشته‌ها و مجروحان حاصل از حملات تروریستی، بیشترین مواد مخدر کشف شده، بیشترین افراد دستگیر شده مرتبط با مواد مخدر و بیشترین شهدای نیروهای امنیتی در راه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های تروریستی در ایران متعلق به استان سیستان و بلوچستان است.

به نظر می‌رسد که همچنانکه نامی پاکستان و افغانستان تا حدودی زیادی متأثر از قاچاق مواد مخدر و تروریسم است این دو عامل نیز نقش اول در مشکلات امنیتی منطقه جنوب شرق ایران دارد.

نکته قابل تأمل این است که در ماوراء مرزهای شرق و غرب ایران نامی و فعالیت‌های تروریستی بسیار زیاد است و هر سو کمتر از طرف دیگر نیست و در هر دو سو، دولت‌های مرکزی توان کنترل و اداره تمام سرزمین خود را با اقتدار ندارند و بخش‌هایی از کشور محل فعالیت شبه نظامیان و گروه‌های معاند و تروریستی است. علاوه بر آن، اقلیت‌های قومی و زبانی و حتی مذهبی ایران در کنار مرزها با ساکنان آن سوی مرز پیوستگی و انسجام قومی و مذهبی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد که در هر دو طرف از بسیاری از جنبه‌ها به هم شبیه هستند. اما سوال این است که چرا مرزهای شرقی و به ویژه جنوب شرقی ایران و استان همجوار آن (سیستان و بلوچستان) نسبت به مرزهای غربی و استان‌های همجوار آن (آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان) ناامن تر است.

توجه به دو نکته اساسی تا حد زیادی پاسخ سوال را روشن می‌کند. نخست قاچاق مواد مخدر و دوم وضعیت توپوگرافیکی مناطق مرزی.

توأم شدن مناطق ناامن و محل فعالیت‌های تروریستی با محدوده تولید و قاچاق مواد مخدر در سرزمین‌های جنوب و جنوب غربی افغانستان و جنوب غربی پاکستان در ایالت بلوچستان و وضعیت توپوگرافیکی و جغرافیایی خاص با عارضه‌های ژئومورفولوژیکی بیابانی و نسبتاً هموار در مناطق مرزی، کنترل مرز را برای ایران بسیار سخت و هزینه‌های کنترل مرز را بسیار افزایش داده است. ضمن اینکه سود سرشار مواد مخدر در دو طرف مرز و تجارت آن به مناطق مرکزی و حتی ماوراء غرب ایران (صادرات به اروپا) انگیزه ریسک‌پذیری و خطرسازی قاچاقچیان را افزایش داده است.

تروریسم

آمار دقیقی از تعداد حملات تروریستی در ایران و به طور خاص در منطقه جنوب شرقی ایران در دسترس نداریم. اما اقدامات گروهک تروریستی موسوم به جندالله به رهبری عبدالمالک ریگی در بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ و گروهک جیش‌العدل به رهبری صلاح‌الدین فاروقی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ بخش عمده‌ای از خرابکاری‌ها و اقدامات تروریستی این منطقه از کشور را تشکیل می‌دهد و آنان هولناک‌ترین اقدامات خرابکارانه و بمب‌گذاری‌ها و حملات انتحاری را در این منطقه از ایران به عهده گرفته‌اند. حادثه تاسوکی در اسفند ۱۳۸۴، حادثه مسجد علی ابن ابیطالب زاهدان در خرداد ۱۳۸۷، حادثه منطقه پیشین در مهرماه ۱۳۸۸، بمب‌گذاری و حمله انتحاری به مسجد جامع زاهدان در تیر ۱۳۸۹ و بمب‌گذاری در مراسم عاشورای چابهار در آذر ۱۳۸۹ برخی از هولناک‌ترین و وحشیانه‌ترین اقدامات گروه‌های تروریستی در منطقه جنوب شرقی ایران و استان سیستان و بلوچستان است. در سال‌های اخیر ناامنی‌ها و اقدامات تروریستی در مناطق مرزی در شهرستان سروان و سرباز افزایش یافته است.

اگرچه این گروه‌های تروریستی و رهبران آنان فعالیت‌های خود را با اندیشه‌های مذهبی شروع نکردند و خود مدعی نوع خاصی از تفکر مذهبی نیستند اما اندیشه‌ها و باورهای آنان تا حدود زیادی متأثر از اندیشه‌های وهابی، سلفی‌گری و تکفیری است. حمایت رهبران متمول وهابی از گروه‌های ضد شیعی و نفوذ اندیشه‌های سلفی و وهابی در مدارس مذهبی

ایالت بلوچستان پاکستان و ارتباط رهبران جندالله و جیش العدل با مفتیان وهابی و سلفی باعث شده است تا آنان پشتوانه ایدئولوژیک را برای اقدامات مسلحانه و تروریستی خود ایجاد کنند.

قاچاق مواد مخدر

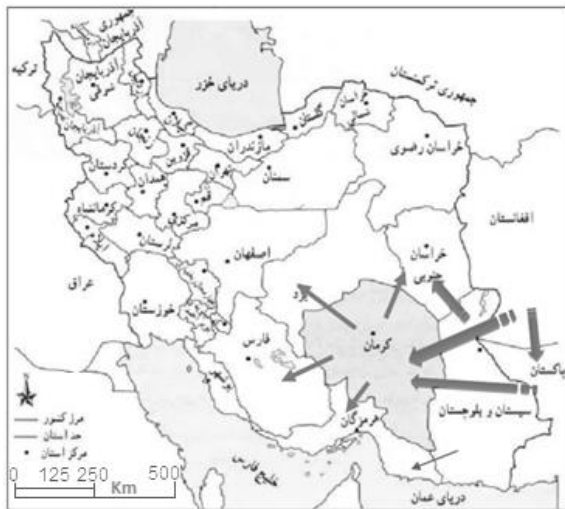
تنها چالشهای امنیتی تروریستی غرب پاکستان و افغانستان بر سیستان و بلوچستان تأثیر نگذاشته بلکه قاچاق مواد مخدر و مشکلات بر آمده از آن بخش دیگری از مشکل بزرگ امنیتی این منطقه از ایران است. بیشترین تأثیر قاچاق مواد مخدر در پیرامون افغانستان در استان سیستان و بلوچستان مشاهده می شود. همانطور که پیشتر آمد بازار هدف قاچاقچیان مواد مخدر به ویژه تریاک از افغانستان، کشور پهناور ایران است. استان سیستان و بلوچستان دروازه ورود به این بازار بزرگ است. بیکاری، فقر، محرومیت، درآمد زیاد حاصل از کار قاچاق مواد مخدر، تأثیر فرزندان از پیشه (قاچاق) بزرگترها و پدران، عدم تضاد ارزشهای مذهبی منطقه با قاچاق مواد مخدر، ناآگاهی و مشکلات فرهنگی و سوء استفاده برخی رهبران گروههای مافیایی و بزرگ از نوجوانان و مردم بومی برای حمل مواد مخدر برخی از زمینههای اجتماعی گسترش قاچاق مواد مخدر در منطقه سیستان و بلوچستان است.

بر این اساس، بدیهی است که بیشترین حجم مواد مخدر به منطقه سیستان و بلوچستان وارد شود. بر اساس آمار دفتر دارو (مخدر) و جرم سازمان ملل متحد که سالانه بیش از ۱۰۵۰ تن مواد مخدر تریاکی وارد ایران می شود، ابتدا این حجم عظیم مواد وارد استان سیستان و بلوچستان شده و سپس از آنجا به سایر نقاط کشور انتقال داده می شود. فعالیت گسترده نیروهای انتظامی و امنیتی و ستاد مبارزه با قاچاق مواد مخدر در منطقه باعث شده است که مقدار زیادی از این مواد مخدر یا در نقاط صفر مرزی و یا در ایست بازرسیهای سطح استان کشف و ضبط شود. به طور میانگین در سالهای ۱۳۸۸ - ۱۳۹۰ نزدیک به ۱۴۰ تن مواد مخدر در این استان کشف و ضبط شده است که از این حیث در میان استانهای کشور بیشتر میزان است.

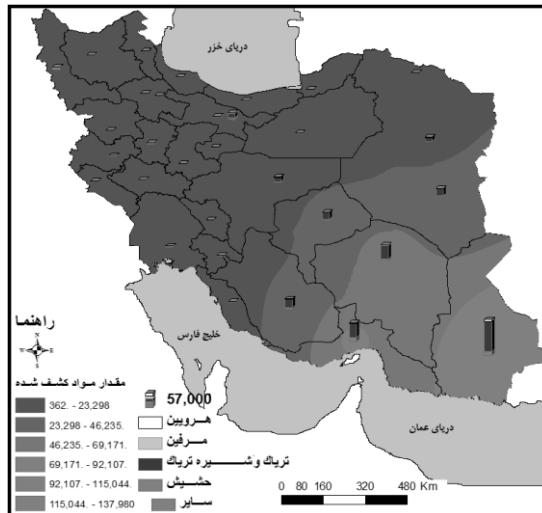
در حقیقت بیش از ۲۸ درصد از کل مواد کشف و ضبط شده کشور (۴۹۳۹۰۲ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰) در استان سیستان و بلوچستان اتفاق افتاده است. اما این مقدار کشف شده فقط ۱۳ درصد کل مواد مخدر وارد شده به کشور است. ۸۷ درصد مواد مخدر (۹۱۰ تن) از استان سیستان و بلوچستان عبور کرده و به استانهای بعدی وارد می شوند. استانهای همجوار سیستان و بلوچستان پس از این استان بیشترین میزان مواد مخدر کشف و ضبط شده داشته اند که این بیانگر قاچاق زیاد مواد مخدر در این استانها است. به عبارت دیگر ما هر چقدر از استان سیستان و بلوچستان دور شویم از میزان مواد مخدر کشف شده کاسته می شود. اگر ما قاچاق مواد مخدر را یکی از مصادیق مهم جرم و باعث ناامنی بدانیم گفته فوق بدین معنا است که ما هر چقدر از استان سیستان و بلوچستان به سمت مرکز و شمال کشور حرکت کنیم نواحی جغرافیایی از ضریب امنیتی بیشتری برخوردار می شوند.

در این میان استان کرمان با استان سیستان و بلوچستان بیشترین خط مرزی دارد (۵۸۰ کیلومتر) و مناطق شرق استان با مناطق استان سیستان و بلوچستان در بسیاری از ویژگیهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی هم سنخ هستند. علاوه بر آن استان کرمان به لحاظ موقعیت جغرافیایی پل میان کانونهای تولید مواد مخدر و مناطق غرب ایران و حتی جهان مغرب زمین به حساب می آید. به گونه ای که از میزان ۹۱۰ تن مواد مخدری که از استان سیستان و بلوچستان خارج می شود بخش عظیمی از آن (بیش از ۷۰ درصد) وارد استان کرمان می شود. بر همین اساس پس از استان سیستان و بلوچستان بیشترین مقدار مواد مخدر کشف و ضبط شده متعلق به استان کرمان است (۱۲۳ تن، ۱۳۸۸) (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

در حقیقت استان سیستان و بلوچستان استانی در حاشیه و دور از سایر مناطق کشور است که حلقه واسط و اتصال آن با سایر نقاط مرکزی، غربی و حتی جنوبی کشور، استان کرمان است. موقعیت جغرافیایی مناسب استان کرمان باعث شده است تا قاچاقچیان مواد مخدر از این موقعیت مناسب مکانی استفاده کنند و فضای استان کرمان به عنوان پخش کننده مواد مخدر و به عنوان دالان ترانزیتی مواد مخدر به سایر نقاط کشور بهره ببرند (شکل ۶).



شکل ۶- موقعیت استان کرمان و مسیرهای قاچاق مواد مخدر



شکل ۵- نقشه پراکنش میزان مواد مخدر کشف و ضبط شده کشور میانگین ۱۳۸۸-۱۳۹۰

واضح است که ورود حجم عظیم مواد مخدر به استان و توزیع این مواد در سطح استان و به تبع آن ورود افراد قاچاقچی که عمدتاً از افراد شرور و مطرود جامعه هستند می‌تواند چه مسائل و مشکلات امنیتی و ناهنجاری‌های اجتماعی را ایجاد کند.

به نظر می‌رسد که عرضه زیاد مواد مخدر در استان کرمان و دسترسی آسان به مواد مخدر علاوه بر خطراتی که برای جوانان و مردم داشته و استعمال کنندگان مواد مخدر را افزایش داده است، تأثیر مستقیمی بر جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی استان کرمان داشته است.

وضعیت توپوگرافی و ژئومورفولوژیکی

بر اساس آنچه که آمد موقعیت مکانی و نزدیکی به کانون‌های بحران قاچاق مواد مخدر و تروریسم تأثیر مستقیمی بر امنیت استان کرمان داشته است. اما سوال این است که چگونه قاچاقچیان مواد مخدر و گروه‌های تبهکاری و حتی تروریستی در مناطق جنوب شرقی ایران تا حد زیادی به اهداف خود می‌رسند. از منظر جغرافیایی پاسخ به این سوال ما را به وضعیت توپوگرافی و ژئومورفولوژی منطقه سوق می‌دهد.

مرزهای ایران در منطقه سیستان و بخش عمده از مرزهای ایران در منطقه بلوچستان به صورت دشت‌های هموار و پوشیده از شنزار است. علاوه بر آن تقریباً تمام نیمه غربی استان سیستان و بلوچستان و بخش نیمه شرقی استان کرمان، سرزمین‌های هموار و بیابانی است که همه این نواحی بیابانی مهمترین مناطق قاچاق مواد مخدر می‌باشد. به عبارت دیگر، بیشترین تحرک قاچاقچیان و حمل و مواد مخدر در مناطق بیابانی استان سیستان و بلوچستان و استان کرمان است. قاچاق مواد مخدر در شکل‌های گوناگون، حمل با خودرو و جاسازی در خودرو، حمل با موتورسیکلت و حمل با شتر و حتی در مناطق مرز به صورت کوله کشی و پیاده انجام می‌شود.

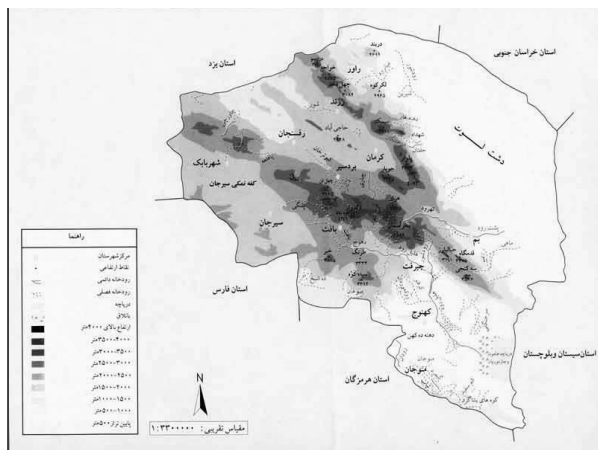
این منطقه وسیع کویر لوت است که بخش وسیعی از استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان را در بر گرفته است و مهم‌ترین جولانگاه قاچاقچیان مواد مخدر به حساب می‌آید. بسیاری از قاچاقچیان از دهلیزهای موجود در کویر لوت و از بستر خشک رودها برای عبور کاروان‌های خود استفاده می‌کنند. بهره‌گیری از شیوه‌های استتار و همرنگ شدن با ماسه زارهای کویر و بهره‌گیری از تلماسه‌ها و برخان‌ها برای پناه‌گیری و اخفا دیگر شگردهای قاچاقچیان حرفه‌ای است.

دشت‌های وسیع با دهل‌یها عمیق و طویل و دارای بستر خشک رودهای زیاد، نظارت و کنترل این مناطق برای مبارزه با مواد مخدر را مشکل کرده است. همچنین وجود بادهای شدید در بخش اعظم سال و پی آمد آن ماسه‌های روان و هوای پر از ذرات ماسه، دید و دیده بانی را دچار مشکل کرده و زمینه مساعدی برای قاچاقچیان مواد مخدر را فراهم کرده است.

از منظر ژئومورفولوژیکی، مناطق کوهستانی برای قاچاقچیان نوعی محدودیت محسوب می‌شود، چرا که توپوگرافی زمین و عواملی همچون شیب زیاد و وجود پرتگاه‌ها و نقاط صعب العبور، عبور و مرور آن‌ها را چه به شکل خودرویی و چه در حالت انفرادی دچار مشکل می‌کند. علاوه بر آن، حجم موادی که به این ترتیب می‌تواند جابجا شود، کم شده و در نهایت به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نخواهد بود (عبادی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۷۸). از سویی دیگر نیروهای امنیتی و انتظامی با دیده بانی مناسب و اجرای کمین‌های موفق می‌توانند قاچاقچیان را به دام انداخته و به این ترتیب ریسک عملیاتی قاچاقچیان را بیشتر شود (همان).

از این رو قاچاقچیان مواد مخدر دشت‌ها و مناطق صحرایی را برای عبور کاروان‌های خود انتخاب می‌کنند. به دلیل هموار بودن مسیر، سرعت حرکت آنان در مناطق صحرایی بسیار بالاست. ارتفاعات و برجستگی‌های منفردی که در دشت‌ها وجود دارند، نقاط شاخصی برای شناسایی راه‌های عبوری و جهت یابی محسوب می‌شوند. همچنین این نقاط برای استراحت و توقف نیز استفاده می‌شوند. حرکت کاروان قاچاقچیان در این نواحی و در طول شب با توجه به نوع عارضه بدون دغدغه صورت می‌گیرد و در شب‌های مهتابی با چراغ خاموش انجام می‌شود. به این ترتیب امر پیشگیری با قاچاق مواد مخدر در این نواحی بسیار سخت و مخاطره آمیز است (عبادی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۷۸).

وضعیت توپوگرافی و ناهمواری‌های استان در نقشه زیر مشاهده می‌شود و نشان می‌دهد که نیمه شرقی استان هموار و دشتی است و این مزیت جغرافیایی مناسبی برای جولان قاچاقچیان مواد مخدر و گروه‌های تبهکاری است.

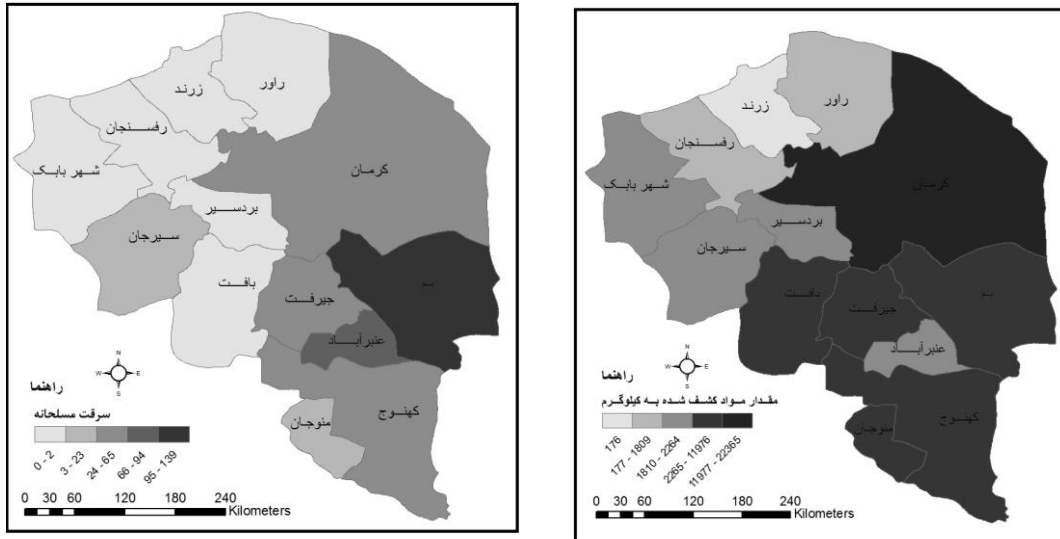


شکل ۷- نقشه ناهمواری‌های استان کرمان

وضعیت امنیت اجتماعی استان کرمان

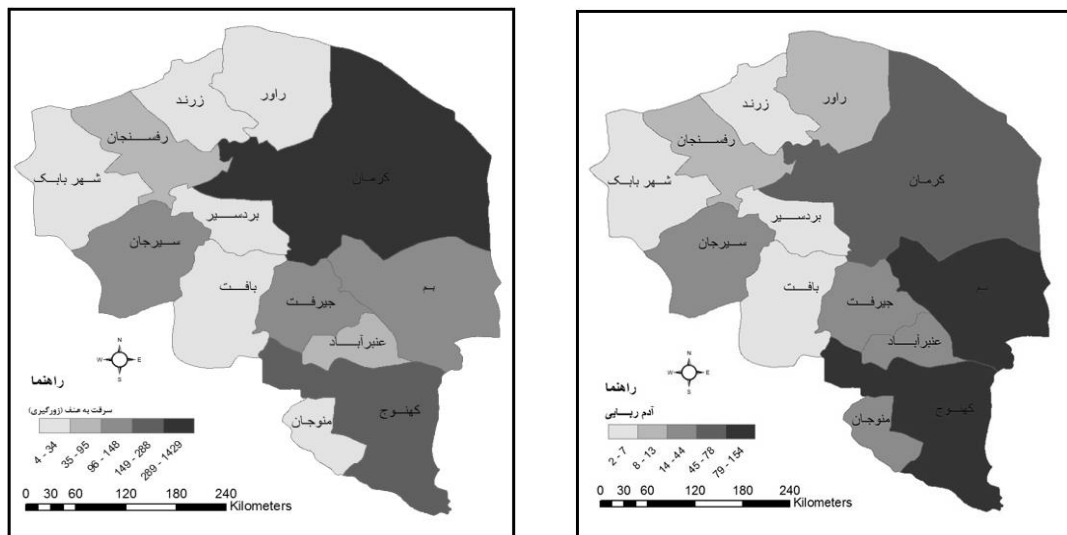
بر اساس آمار دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۶، شاخص‌های مواد مخدر کشف و ضبط شده، سرقت مسلحانه، آدم ربایی، تجاوز به عنف و قتل که از مصادیق امنیت اجتماعی و عمومی است نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی استان کرمان تا حدود زیادی تابع وضعیت جغرافیایی و موقعیت مکانی خود است. بر اساس شکل ۸ بیشترین مقدار مواد کشف شده در شهرستان‌ها نیمه شرقی استان کرمان صورت گرفته است. این مسأله نشان می‌دهد که شهرستان‌های کرمان، بم، کهنوج و جیرفت که در مناطق پست و هموار قرار دارند و در نزدیکی استان سیستان و بلوچستان هستند، قلمرو اصلی مانور قاچاقچیان مواد مخدر است. همچنین بر اساس شاخص سرقت مسلحانه

نشان می‌دهد که نیمه شرقی استان از تراکم بیشتری نسبت به نیمه غربی برخوردار است. اگر چه شهرستان سیرجان در نیمه غربی نسبت به سایر همسایگان خود سهم بیشتری دارد. به نظر می‌رسد که علاوه بر ویژگی‌های فرهنگی و محیطی شهرستان سیرجان، موقعیت مکانی و گذرگاهی این شهرستان به عنوان چهار راه محور اصلی شرق به غرب (فارس - کرمان) و محور اصلی شمال به جنوب کشور (بندرعباس - تهران) در ایجاد این وضعیت نقش موثری داشته است.



شکل ۸- نقشه مقدار مواد مخدر کشف و ضبط شده و سرقت مسلحانه در استان کرمان ۱۳۸۶-۱۳۹۰

در شاخص قتل عمد نیز پراکنش آن در سطح استان همچنان تا حد زیادی از الگوی قاچاق مواد مخدر (کشف و ضبط مواد مخدر) و پیامدهای آن سرقت مسلحانه و آدم ربایی تبعیت می‌کند. شهرستان‌های کرمان، بم، جیرفت، عنبر آباد و کهنوج در مناطق شرق استان دارای بالاترین مقدار و شهرستان‌های نیمه غربی نظیر راور، زرنند، بردسیر، بافت، شهر بابک و رفسنجان دارای کمترین میزان است. شاخص سرقت به عنف یا زورگیری نیز در استان به مانند سایر شاخص‌های امنیت اجتماعی در شهرستان‌های نیمه شرقی یعنی کرمان، بم، جیرفت و کهنوج بیشتر است.

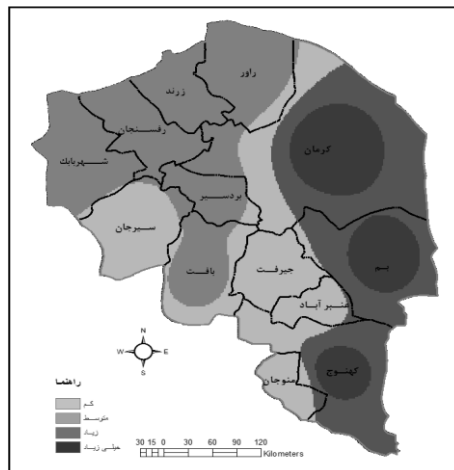


شکل ۹- نقشه آدم ربایی و قتل در استان کرمان ۱۳۹۰-۱۳۸۶

شکل ۱۰- نقشه سرقت به عنف (زورگیری) در استان کرمان ۱۳۹۰-۱۳۸۶

در مجموع بررسی وضعیت امنیت اجتماعی و عمومی در سطح استان کرمان نشان می‌دهد که عمدتاً نیمه شرقی استان کرمان نسبت به نیمه غربی از وضعیت نامناسب تری برخوردار است. ترکیب شاخص‌های امنیت اجتماعی و درون یابی

وضعیت امنیتی استان (با استفاده از روش فاصله معکوس وزنی در سامانه اطلاعات جغرافیایی) نشان می‌دهد که سه هسته که دارای بیشترین عوامل ناامنی اجتماعی و عمومی هستند در شرق استان قرار دارد که تقریباً منطبق بر شهرستان‌های بم، کهنوج و مناطق شرقی استان کرمان است و در پیرامون آن‌ها طبقه بعدی قرار دارد که روی هم بیش از دو سوم نیمه شرقی استان را در بر گرفته است. این دو طبقه که در نامناسب‌ترین وضعیت امنیت اجتماعی در استان کرمان هستند هم‌جوار با استان سیستان و بلوچستان و در نزدیکترین موقعیت نسبت به مرزهای شرقی هستند. طبقه سوم به جز سیرجان، منطبق بر بخش‌هایی از نیمه غربی شهرستان کرمان، و تقریباً شهرستان‌های جیرفت، عنبرآباد و منوجان است که با دو طبقه اول تمام نیمه شرقی استان کرمان را پوشش داده‌اند. این محدوده در مناطق هموار و دشتی واقع شده است و تقریباً به وسیله رشته ارتفاعات مرکزی هزار، لاله زار و جوپار از نیمه غربی استان جدا می‌شوند. اما شهرستان‌های راور، زرنند، رفسنجان، شهر بابک، بردسیر و بافت و بخش کوچکی از نیمه غربی شهرستان کرمان از نظر شاخص‌های امنیت اجتماعی نسبت به سایر شهرستان‌های استان کرمان در وضعیت بهتری قرار دارند. این مناطق از نظر موقعیت مکانی نسبت به کانون‌های بحران شرق، دورتر هستند و از نظر توپوگرافیکی و ژئومورفولوژیکی در وضعیت ارتفاعی و دارای عارضه‌های متنوع کوهستانی نسبت به مناطق شرقی هستند.



شکل ۱۱- نقشه طبقه‌بندی نواحی استان کرمان بر اساس شاخص‌های ناامنی اجتماعی

نتیجه گیری

در این تحقیق تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی استان کرمان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، با رویکرد سیستمی و نگرش منطقه‌ای و یکپارچه به مقوله امنیت و با روش توصیفی و تحلیل فضایی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی استان کرمان مورد کنکاش و ارزیابی قرار گرفت. در پاسخ به مسأله تحقیق و بر اساس یافته‌های تحقیق این نتایج بدست آمد:

۱. عوامل ضد امنیتی و تهدید کننده امنیت اجتماعی و عمومی استان کرمان به تنهایی در مقیاس درون استانی قابل تحلیل نیست و برای درک درستی از مسأله باید به صورت سیستمی به عوامل فراملی و منطقه‌ای توجه کرد و در بستر منطقه جنوبی شرق ایران آن را بررسی و تحلیل کرد.
۲. عوامل جغرافیایی موثر بر امنیت عمومی و اجتماعی استان کرمان در سه سطح فراملی، فروملی و درون استانی قابل تحلیل است. در سطح فراملی، تأثیر کانون‌های بحرانی غرب پاکستان و افغانستان، در سطح فروملی تأثیر استان سیستان و بلوچستان و در سطح درون استانی تأثیر شهرستان‌های نیمه شرقی بر امنیت اجتماعی و عمومی استان کرمان سهم بسیار زیادی دارند.

۳. امنیت اجتماعی و عمومی استان کرمان متأثر از موقعیت مکانی این استان است که با واسطه استان سیستان و بلوچستان در نزدیکی کانون‌های بحران و انتشار دهنده ناامنی در سطح فراملی یعنی مناطق شمال غربی و غربی پاکستان و به ویژه ایالت بلوچستان این کشور و مناطق غربی و جنوب غربی افغانستان قرار دارد. مناطق مذکور از بحرانی‌ترین و ناامنی‌ترین مناطق جهان است که سه مولف تروریسم، ایدئولوژی‌های بنیادگرا و به شدت رادیکال و تولید و قاچاق مواد مخدر با یکدیگر تلفیق شده و تهدید بزرگ برای امنیت منطقه و حتی جهان و به طور خاص تهدیدی بزرگ برای امنیت ملی ایران و امنیت اجتماعی و عمومی جنوب شرق ایران و استان کرمان است.

۴. بررسی وضعیت امنیت اجتماعی و عمومی در سطح درون استانی در استان کرمان در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۰ بر اساس شاخص‌های میزان مواد مخدر کشف و ضبط شده، سرقت مسلحانه، آدم ربایی، سرقت به عنف و قتل نشان داد که عمدتاً نیمه شرقی استان کرمان نسبت به نیمه غربی از وضعیت نامناسب تری برخوردار می‌باشند. نیمه شرقی استان کرمان که تقریباً منطبق بر شهرستان‌های بم، کرمان، کهنوج، عنبرآباد و جیرفت است انطباق زیادی با قلمروهای قاچاقچیان و حوزه نفوذ آن‌ها نشان می‌دهد و از سویی دیگر جزء مناطق دشتی و هموار از نظر توپوگرافیکی است. این بدان معناست که میان شاخص‌های ناامنی اجتماعی و مناطق تردد قاچاقچیان مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه با مناطق دشتی و هموار نیز برقرار است.

۵. ضریب امنیت اجتماعی کرمان به گونه‌ای است که ما هر چقدر از مناطق شرقی و مرزهای شرقی این استان به سمت مرکز و نیمه غربی حرکت کنیم و وضعیت امنیت اجتماعی استان بهتر می‌شود. این قانون فاصله است که هر چقدر از کانون یک بحران فاصله بگیریم بحران کم و کم تر می‌شود.

نتیجه نظری قابل تعمیم این تحقیق این است که در سده بیست و یکم، علیرغم همه پیشرفت‌های فناورانه و فضای جهانی شدن، مقوله امنیت همچنان مفهومی سرزمینی و متأثر از موقعیت مکانی فضاها جغرافیایی است. امنیت و احساس امنیت در واحدهای سیاسی تابع موقعیت مکانی، دوری و نزدیکی به کانون‌های بحران، وضعیت همسایگان و در صورت وجود منابع تهدیدگر امنیت می‌تواند متأثر از وضعیت توپوگرافی و ژئومورفولوژیکی منطقه‌ای باشد.

قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند از دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان به دلیل حمایت مالی از این تحقیق تشکر کنم.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابراهیم بای سلامی، غلامحیدر. (۱۳۸۵). چشم انداز توسعه پایدار شرق ایران، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.
- ۲- احمدی پور، زهرا. حیدری موصلو، طهمورث. میرجلالی، اکبر. (۱۳۹۰). تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۷.
- ۳- بوزان، باری و ال ویور. (۱۳۸۵). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین الملل، ترجمه رحمن قهرمانپور، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲.
- ۴- دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان، (۱۳۹۳). آمار جرائم امنیت اجتماعی استان کرمان: جمع آوری شده از پلیس آگاهی استان کرمان.
- ۵- شوازی، عباس. (۱۳۸۶). رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم شماره ۴.

- ۶- عبادی نژاد، سید علی و همکاران. (۱۳۸۹). نقش عوارض ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور، مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم شماره سوم.
- ۷- غفوری، محمود. داوند، محمد. (۱۳۹۳). تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ششم، شماره هجدهم.
- ۸- فرشاد، مهدی. (۱۳۶۲). نگرش سیستمی، تهران: امیرکبیر.
- ۹- کامران، حسین. کریمی پور، یداله (۱۳۸۰). بستر جغرافیایی تهدیدهای بیرونی مطالعه موردی حاشیه دریای مازندران، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲.
- ۱۰- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰، ۱۳۸۸). سالنامه آماری کشور.
- ۱۱- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- 12- Buzan, B. (1983). *People, States & Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*, Harvester Wheatsheaf.
- 13- Buzan, B. & et al. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*, Boulder, CO: Lynne Rienner
- 14- Buzan, B. & O. Wæver. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge University Press.
- 15- Cornell, S.E. (2005). the Interaction of Narcotics and Conflict, *Journal of Peace Research*, Vol. 42, No. 6, pp. 751-760.
- 16- Gaan, N. (2004). *Environmental Security: Concept and Dimensions*, India: Kalpaz.
- 17- Hough, P. (2004). *Understanding Global Security*. New York: Routledge.
- 18- Institute for Economics and Peace (IEP). (2014). *Global peace Index, Measuring Peace and Assessing Country Risk*. New York.
- 19- Lum, C. (2011). Violence, Drug Markets and Racial Composition Challenging Stereotypes through Spatial Analysis, *Urban Studies*, Vol. 48, No. 13.
- 20- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (Start). (2014). *Annex of Statistical Information: Country Reports on Terrorism 2013*, A Department of Homeland Security Science and Technology Center of Excellence Based at the University of Maryland
- 21- Medina, R.M. & Hepner, G.F. (2013). *the Geography of International Terrorism: An Introduction to Spaces and Places of Violent Non-State Groups*, Taylor & Francis Group.
- 22- Nurco, D.N. et al. (1991). Recent research on the relationship between illicit drug use and crime, *Behavioral Sciences & the Law*, Vol. 9, No.3.
- 23- Piazza, J. A. (2011). the illicit drug trade, counternarcotic strategies and terrorism, *Public Choice*, Vol. 149, No. 3/4.
- 24- Tang, S. (2004). A Systemic Theory of the Security Environment, *The Journal of Strategic Studies*, Vol.27, No.1.
- 25- UNODC (2014). *Afghanistan Opium Survey 2014: Cultivation and Production*, Vienna.
- 26- UNODC. (2011). *the Global Afghan Opium Trade: A Threat Assessment*, Vienna.